

ابعاد تغییرات مطالعات اجتماعی پایه چهارم

مبنای دگرگونی درس‌های تاریخ، مدنی و جغرافیا در گفت‌وگو با دکتر ناهید فلاحیان

www.socialstudies-dept.talif.sch.ir

ناصر بنی‌علی

اشاره

کتاب مطالعات اجتماعی پایه چهارم ابتدایی، جدیدالتألیف است. بنابراین ضمن گفت‌وگو با دکتر ناهید فلاحیان، مسئول گروه مطالعات اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه‌ی نظری، مخاطبان گرامی را با آخرین ویژگی‌های این دگرگونی‌ها در راستای هم‌سوسازی برنامه‌ی درسی ملی و محتوای درسی مندرج در کتاب‌های چهارم دبستان آشنا خواهیم ساخت. دکتر فلاحیان دارای مدرک دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری است. او کارش را با معلمی شروع کرده و مقالات بسیاری در کنفرانس‌های داخلی و خارجی ارائه داده است.

اصولاً نیازی به این تغییرات

هست؟ بر چه مبنایی شما تصمیم گرفتید و به این نتیجه رسیدید که تغییرات باید کلی باشد نه بازنگری؟

همان‌طور که می‌دانید راهنمای برنامه‌ی جدیدی برای درس مطالعات اجتماعی نوشته شده بود و در واقع، ضرورت تغییر برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی از سال‌ها قبل احساس می‌شد. در حدود یک دهه پیش، در دفتر تألیف قرار بر این شده بود که برنامه‌ی درسی مطالعات اجتماعی در دوره‌ی آموزش عمومی متحول شود. این دروس طی سال‌های طولانی حتی بعد از انقلاب در سازمان‌دهی محتوا به جز برخی تغییرات صوری تغییرات زیادی به خود ندیدند؛ یعنی در آموزش تاریخ، جغرافیا و مدنی، به همین دلیل، این راهنمای برنامه‌ی درسی اعتباربخشی و برای همه‌ی استان‌ها فرستاده شد و سرگروه‌های آموزشی استان‌ها آن را مطالعه کردند.

در مراحل آخر تدوین راهنما به برنامه‌ی درسی ملی برخورد کردیم و این راهنما را با برنامه‌ی درسی ملی هم‌سوسازی کردیم. به‌طور کلی، می‌توانیم بگوییم نزدیکی‌های زیادی بین این‌ها وجود داشت. ما توانستیم رویکردهای فرهنگی و تربیتی‌مان را با برنامه‌ی درسی ملی هم‌منطبق کنیم. طبیعتاً این تغییری است که چون اتفاق افتاده، نمی‌توانیم در یک پایه ساختار قبلی را حفظ کنیم و در پایه‌ی دیگر ساختار دیگری داشته باشیم. ما کتاب سوم را تغییر دادیم. در راهنمای برنامه مجموعه‌ای از مفاهیم کلیدی داریم که از دوره‌ی ابتدایی تا پایان دوره‌ی متوسطه‌ی اول باید دنبال شوند. برنامه به این شکل است که جدول وسعت و توالی محتوا وجود دارد و نمی‌توانیم محتوا را در یک جا قطع کنیم. بنابراین، وقتی کتاب سوم را تغییر دادیم، براساس آن الگو و راهنما، در سال‌های بعد تغییری هم در چهارم داشتیم. به این ترتیب موضوعاتی که باید در حوزه‌ی

اجتماعی، تاریخ، جغرافیا، اقتصاد و غیره مطرح شوند، طبیعتاً تغییر پیدا می‌کنند. پس ضرورتی داشته است که گفته‌ایم در دوره‌ی ابتدایی می‌خواهیم دروسمان تلفیقی باشند؛ تلفیق کامل. بنابراین، نمی‌توانیم در پایه‌ی سوم دروس تاریخ، جغرافی و اجتماعی را تلفیقی ارائه کنیم و در پایه‌ی چهارم بیاوریم همان کتاب قبلی را که بخش‌های تاریخ و جغرافی و مدنی‌اش از هم مجزا شده بودند، داشته باشیم.

به برنامه‌ی درسی ملی اشاره کردید و درباره‌ی تغییراتی که الزامی بودند، سخن گفتید.

موردی را که برنامه به آن‌ها اشاره داشته است، به‌طور جزئی‌تر مطرح کنید.

برنامه‌ی درسی ملی تربیت اسلامی و شکوفایی استعدادها و پرورش ابعاد مختلف وجودی دانش‌آموز را مورد توجه قرار داده است. برنامه به‌طور کلی اخلاق محور است



هستند که نظر می‌دهند. بنابراین، دانش‌آموزان در کتاب‌ها حضورشان پررنگ شده است. به جرئت می‌توان گفت که درس مطالعات اجتماعی درسی است که باید هر چند سال یک‌بار بنابر نیازها و مقتضیات جامعه دگرگون شود مثلاً شاید ۲۰ سال پیش مسئله‌ی بازیافت این قدر مسئله‌ی مهمی نبود. ولی الان بچه‌ها باید اهمیت و مهارت بازیافت را یاد بگیرند. موضوعاتی است که گاهی اوقات پیش می‌آید که این موضوعات در شرایط گوناگون کمرنگ‌تر و پررنگ‌تر شود. بنابراین، باید به مقتضیات پاسخ بدهد و به نظر من عمر مفید این کتاب‌ها پنج تا هفت سال است و باید دگرگونی‌های اساسی درونشان اتفاق بیفتد.

پس نهایتاً پس از گذراندن پایه‌ی چهارم دانش‌آموز به آمادگی‌ها و بینش‌هایی می‌رسد که آن رسیدن به مراتبی از حیات طیبه است؟

حیات طیبه مراتب دارد ولی رسیدن به یک رتبه تضمینی در پی ندارد. چه بسا کسی که به قول معروف به درجه‌ی والایی می‌رسد ولی ممکن است با یک گناه و خطا به عمق دره‌ی مغضوبین سقوط کند. کسی را هم داریم که یک شبه مراتبی را طی کند و متحول شود و به درجات بالایی دست پیدا کند. من فکر می‌کنم که وظیفه‌ی ما فراهم کردن این بستر است و این‌ها ساده‌انگازانه قابل اندازه‌گیری نیست که به آن حیات طیبه رسیده است یا نه. می‌خواهم بگویم که دانش‌آموزان را به اخلاق و ارزش‌ها مثل احترام به همسایه، همکاری در محله، تعاون و... از طریق آموزش سوق می‌دهیم.

هویت‌ام چیست؟ بعد با خانواده و همکاری در خانواده آشنا می‌شود؛ نظم در خانواده، روابط متقابل و نیازهای خانواده. بعد از آن وارد مدرسه شده و می‌گوید که چرا مدرسه را دوست دارد و مدرسه چه محیطی برای او فراهم می‌کند؟ رفتارش با محیط و همکلاسی‌ها چگونه باشد و سپس از خانه تا مدرسه را بشناسد و مقررات عبور و مرور و نکات ایمنی را یاد بگیرد. او امسال وارد محله می‌شود و بعد از محله وارد شهر، روستا و کشور. یعنی، در واقع ما همان محیط‌های توسعه‌یابنده را دنبال می‌کنیم، بعد دیگر تاریخ و جغرافیا و اجتماعی که با همدیگر تلفیق شده است.

آیا در این روند دانش‌آموز متوجه می‌شود که قسمتی تاریخ و قسمتی جغرافی است؟

بله، اینکه اجتناب‌ناپذیر است. البته مفاهیم را هم باز کردیم، کار باستان‌شناس چیست؟ کار مورخ یا کار جغرافی‌دان چیست؟ و همان موقع که دانش‌آموز در شهر و طبیعت شهر و روستا و ویژگی‌های طبیعی و انسانی و مکان مطالعه می‌کند، با این مباحث نیز آشنا می‌شود. نکته‌ی بعدی اخلاق محور شدن درس است. بسیاری از فعالیت‌هایی که داریم فعالیت‌های تربیتی است که انتظار داریم آموزگاران به این نکات توجه داشته باشند. سال گذشته بحث صرفه‌جویی را مطرح کردیم از جمله اسراف و پس‌انداز و امسال مهارت‌های خرید عاقلانه مطرح می‌شود. به هر حال اقتصاد و مهارت‌های مالی و اقتصادی که جزو مهارت‌های مغفول بود در کتاب جدید به آن توجه شده است. می‌گوید که خانواده بودجه‌ی معینی دارد و ما باید در راستای آن بودجه حرکت کنیم و تصمیم بگیریم.

با یک‌سری تعالیم و مفاهیم سعی کردیم در یک رویکرد جدید و در سازمان‌دهی محتوا، درس را به زندگی دانش‌آموزان پیوند بزنیم تا دانش‌آموز لذت ببرد. از عکس‌های دانش‌آموزان هم در کتاب‌ها زیاد استفاده کردیم. در بسیاری از قسمت‌ها دانش‌آموزان

و باید سعی کنیم در آموزه‌هایی که داریم، به این مورد توجه کنیم. در سند تحول بنیادین و برنامه‌ی درسی ملی رابطه با خدا و خلق، رابطه با محیط طبیعی و رابطه با خود، مطرح شده است. برنامه اخلاق محور است، رویکرد تربیتی دارد و در آن به بحث هویت ملی توجه شده است.

بنابراین، باید سعی کنیم که برنامه‌مان را از این نظر قوی کنیم و این کار را هم انجام دادیم. یعنی فقط دانش جغرافیایی و دانش تاریخی و دانش مدنی مهم نیست. نکته‌ی دیگر این است که برنامه‌ی درسی ملی به مهارت‌های زندگی هم توجه کرده است و ما این مهارت‌های زندگی را در برنامه‌ی جدید مدنظر قرار داده‌ایم.

آیا تغییرات زیر نظر آموزگاران است؟

آموزگاران درباره‌ی سرفصل‌ها نظر داده‌اند. برنامه از پنج سال پیش مورد اعتباربخشی درون سازمانی و برون‌سازمانی قرار گرفت و حتی بخش‌نامه شد و کمیسیون‌هایی تشکیل شد. گردهمایی معلمان در باشگاه فرهنگیان تهران تشکیل شد و یک‌بار معلمان درباره‌ی سرفصل‌ها نظر دادند. بنابراین نمی‌توانیم اینجا سلیقه‌ای عمل کنیم. عرض کردم برنامه در شورای علمی سازمان تصویب شد و به شورای عالی آموزش و پرورش هم رفت و حتی در آنجا هم مراحل خود را طی کرد. ما در شورای نظارت بر تألیف هم از معلمان استفاده می‌کنیم و حتی در هنگام تألیف، به چند مدرسه رفته و برای برخی مفاهیم اجرای آزمایشی انجام می‌دهیم. به هر حال معلمان درباره‌ی چگونگی پیاده کردن برنامه هم می‌توانند کمک کنند.

ارزش‌یابی مطالعات اجتماعی به چه صورت است؟

ارزش‌یابی توصیفی است. حالا دیگر در کتاب سه بخش مجزا نداریم. ما در سال سوم از خود شروع کردیم؛ یعنی، دانش‌آموز خود را خواهد شناخت و می‌گوید من کی‌ام، استعدادهایم چیست؟ شناسنامه و

در پیاده شدن این برنامه و کتب جدید چه مشکلاتی داریم؟

متأسفانه روش‌های معلمان ما هنوز آن‌طور که باید و شاید متحول نشده‌اند. یعنی یکی از مشکلات این است که معلم می‌خواهد به روش‌های سنتی ادامه بدهد. روش‌های سنتی همان روش‌های حافظه‌محور و اطلاعات‌محورند. برای همین وقتی کتاب را می‌بینند فوراً به حجم آن توجه می‌کنند. حجم کتاب چرا اینقدر برای معلمان مهم است؛ چون می‌خواهند کلمه به کلمه آن را امتحان بگیرند و سؤال کنند. برای همین تألیف جدید درس‌های پایه‌ی چهارم از یک مدرسه بازدید کردیم و متوجه شدیم که معلم فعالیت‌های کتاب را انجام نداده و به بچه‌ها گفته است به هر صفحه یک برگه‌ی سفید سنجاق کنند و از کتاب سؤال و جواب در بیاورند. متأسفانه برخی از معلمان هنوز به روش سنتی عمل می‌کنند و از مهارت‌های لازم هم برای تدریس موضوعات برخوردار نیستند.

این‌ها از کجا سرچشمه می‌گیرد با اینکه برخی هم با رشته خاص دبیری یا کارشناس آموزش ابتدایی بودند چرا اقبالی ندارد؟

باید این مسائل ریشه‌یابی شود ولی آنچه مسلم است اینکه چه برنامه‌ی مطالعات اجتماعی و چه سایر برنامه‌ها و چه برنامه‌ی درسی ملی زمانی که بخواهد اجرا شود و به اهداف خود برسد نیازمند توجه جدی به آموزش معلمان و تربیت معلم است. اگر معلمی به این درجه رسیده باشد که بتواند و بداند چطور مطالعات اجتماعی را باید تدریس کرد اگر کتاب هم عوض شود با یک روز دوره هم می‌داند چکار باید بکند. در دوره‌هایی که برای مدرسه‌ها تدریس داشتیم، متأسفانه بعضی از مدرسان حتی اطلاع نداشتند که معلم باید فن بیان بداند! روش‌های ارزش‌یابی هم به شیوه‌ی سنتی دارد دنبال می‌شود. می‌بینیم که همچنان معلمان از تست و جای خالی استفاده می‌کنند و هر روز به بچه‌ها پلی‌کپی

می‌دهند! ما در کتابمان کاربرگه داریم؛ کاربرگه‌هایی که باید دانش‌آموز فرایندی را طی کند و اطلاعاتی را به کار ببندد. باید تحولی به‌وجود بیاید، اول در آموزش معلمان و بعد نگرش‌ها و باورهایشان اصلاح شود به‌علاوه‌ی اینکه فنون معلمی نیز به آن‌ها آموخته شود.

این آموزش معلمان به عهده‌ی کیست؟

مراکز تربیت معلم و تربیت نیروی انسانی.

آیا این مراکز با دفتر برنامه‌ریزی و تألیف و گروه‌های درسی در ارتباط هستند؟

ارتباط هست ولی نیاز به اقدامات زیربنایی در زمینه‌ی تربیت معلم وجود دارد. در گذشته زمانی که من خود دانش‌آموز

درس دادن و شیوه‌ی تدریس چند معلم ماهر را نمی‌دیدند به این‌ها اجازه تدریس نمی‌دادند. هم‌چنین معتقدم که حقوق معلمان باید حفظ شود و در مقابل کار سنگینی که از آن‌ها می‌خواهیم، باید کاملاً تأمین باشند.

آیا در کتاب‌های جدید به شأن و جایگاه معلم پرداخته‌اید؟

بله، به معلم هم پرداختیم حتی در دروس مدرسه که در سوم داشتیم گفتیم یک تور در مدرسه راه بیندازید بروید در همه اتاق‌ها ببینید چه کسانی در مدرسه برای شما زحمت می‌کشند. مدیر، مربی بهداشت این همه آدم اینجا هستند که شماها درس بخوانید و چیز یاد بگیرید و بنابراین حالا شما چه وظیفه‌ای دارید. در مورد شأن معلم و علاقه‌مندی به معلم هم صحبت کرده‌ایم.



در مورد فعالیت‌های نقشه و

کاربرگه‌ها و رویکردها صحبت

کنید. این کاوشگری‌ها با روندی که

کتاب گفته است، چقدر بچه‌ها را

درگیر می‌کند؟

درس‌ها به‌گونه‌ای تنظیم شده‌اند که

اگر معلم‌ها آن فعالیت‌ها را محور قرار

بدهند و کاربرگه‌ها را به‌خوبی انجام دهند،

بودم یادم هست می‌گفتند یک خانم معلم قرار است بیاید در کلاستان آخر کلاس بنشیند، می‌دیدیم یک خانمی می‌آمد آخر کلاس می‌نشست و معلم ما درس می‌داد. بعدها که سؤال کردیم فهمیدیم که این‌ها کسانی هستند که دارند کارورزی می‌کنند. یعنی فارغ‌التحصیلان مراکز تربیت معلم تا نمی‌رفتند توی کلاس‌ها ننشینند و



جریان تدریس را می‌تواند هدایت کند و از روش سخنرانی صرف بپرهیزند. ما نمی‌خواهیم بچه‌ها، سؤالات یا فعالیت‌ها و تمرین‌ها را در پایان درس جواب بدهند یا ببرند در خانه جواب بدهند. بسیاری از این کارها را می‌گوییم در کلاس انجام بدهند. چون دانش‌آموز وقتی در کلاس تمرین می‌کند چیزی به‌دست می‌آورد و برای یادگیری آمادگی پیدا می‌کند. مرحله‌ی بعدی این است که در واقع یک درس به قسمت‌های مختلفی تقسیم می‌شود که هر کدام از آن‌ها پیش‌زمینه‌ای دارد. معلم باید به‌جز کلاس، موقعیت‌های دیگری را هم برای دانش‌آموزان فراهم کند. مثلاً آن‌ها را به بازدید از محله و موزه و محیط‌های طبیعی مثل کوه و دره و دشت ببرد که البته آن هم اصول و روش‌های خاص خودش را دارد. اگر راجع به مسجد محله صحبت می‌کند باید بچه‌ها با خانواده بروند مسجد و در یکی از کارهای مسجد همکاری کنند، در مدرسه اگر هست همکاری کنند تا از طریق این همکاری اجتماعی بتوانند این صلاحیت‌ها را یاد بگیرند. اینجاست که می‌گوییم یادگیری در محیط‌های واقعی را باید معلم تدارک ببیند. اگر مدام بخواهد به سؤال و جواب بسنده کند در دانش‌آموز هیچ تغییری در اخلاق و رفتار به‌وجود نمی‌آید.

نکته‌ی بعد این است که معلم باید علاوه بر محیط‌های متنوع از وسایل متنوع نیز استفاده کند. کتاب فقط یک الگو در اختیار قرار می‌دهد. مثلاً وقتی می‌خواهیم از تاریخ ایران بگوییم، در کتاب فقط سه عکس می‌توانیم بگنجانیم ولی این معلم است که می‌تواند اسلاید و فیلم

نشان بدهد. به هر حال باید از وسایل و از رسانه‌های مختلف هم استفاده کنند.

پس با این شرایط کلاس‌ها هم به فناوری‌های آموزشی مجهز می‌شوند؟

اگر معلم بتواند از آن‌ها استفاده کند، خوب است.

یعنی اگر این‌ها باشد شرایط تدریس بهتر می‌شود؟

بله، خیلی بهتر می‌شود. در بازدیدی که از یک مدرسه داشتیم معلم کتاب را در لب‌تاپ وارد کرده بود و روی تخته هوشمند ورق می‌زد یا یک نقشه را که در کتاب خیلی کوچک بود می‌توانست روی تخته‌ی هوشمند به وضوح نشان بدهد. به هر حال تکنولوژی‌های نوین امکانات خوبی در اختیار ما می‌گذارند اما این به این معنا نیست که اگر معلمی تخته هوشمند نداشته باشد، نتواند کاری انجام دهد. معلم اگر بخواهد می‌تواند رسانه‌ها و وسایل و ابزاری فراهم کند برای اینکه تدریسش بهتر باشد.

سرفصل‌های درس‌هایی که وجود دارد نام ببرید.

کتاب پنج فصل دارد: فصل اول، محله‌ی ما؛ فصل دوم، شهر من، روستای من؛ فصل سوم، پیدایش شهر و روستا؛ فصل چهارم، سفری به شهرهای باستانی؛ فصل پنجم، کشور زیبای من و فصل ششم، ما ایرانی هستیم.

حتماً داستان آموزگار میروانی

که موی سر خود را تراشید را شنیده‌اید؛ این کار در کدام دسته درس مطالعات اجتماعی جا می‌گیرد؟

ببینید در مطالعات اجتماعی مطالباتی که سازمان‌ها، گروه‌ها، نهادها و جامعه از این درس دارند خیلی زیاد و متنوع است. در عین حال کتاب گنجایش محدودی دارد.

چون موضوعات زیاد است، نمی‌توانیم به بعضی از موضوعات هر سال بپردازیم. مثلاً ما بحث مدرسه را پارسال مطرح کردیم. شاید همان‌جا که بحث همکلاسی‌ها را گفتیم عکس یک دانش‌آموزی را انداختیم که پایش را گچ گرفته و دست انداخته گردن آن یکی همکلاسی‌اش و آن همکلاسی دارد کمکش می‌کند. در مورد همدلی آن معلم و موضوعاتی اینچنین به نظر من همه چیز را منحصر به کتاب نکنیم. معلم باید از عناصر و اجزای گوناگونی از بسته‌ی آموزشی در این درس استفاده کند و به علاوه درس را منطبق با شرایط بومی و محلی ارائه دهد.

بسته‌ی آموزشی در تألیف و مطالعات اجتماعی پایه‌ی چهارم چه جایگاهی دارد؟

فعلاً کتاب درسی و کاربرگ‌ها و کتاب راهنمای معلم تولید شده است و بقیه‌ی اجزای بسته‌ی آموزشی باید به مرور زمان تولید شوند ولی همان‌طور که گفتم معلم هم اینجا در تولید بسته‌ی آموزشی نقش دارد، یعنی بخشی از بسته‌ی آموزشی را معلم خودش تولید می‌کند. مدرسه باید کمک کند. مثلاً ما در رابطه با کتاب‌های پایه‌ی چهارم در مدرسه باید نقشه‌های جغرافیایی و کره‌ی جغرافیایی داشته باشیم و مدیر ملزم است که آن‌ها را تهیه کند و معلم هم باید این‌ها را از مدیر بخواهد.

به‌طور کلی جایگاه کتاب درسی مطالعات اجتماعی خودمان را در سطح بین‌المللی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از بُعد نگاه تطبیقی کتاب یا برنامه‌ی درسی در مقایسه با کشورهای منطقه در سطح بسیار بالایی قرار داریم تا آنجایی که من کتاب‌های منطقه را دیده‌ام. از نظر تکنیک‌های آموزشی، سازمان‌دهی محتوا و چاپ، کتاب‌های ما از کیفیت بهتری برخوردارند، اما از کشورهای غربی هنوز عقب‌تر هستیم.